



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

## لیست کامل اعضای بدن به انگلیسی + مثال و ترجمه

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۱۴۹ بازدید | ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

**اعضای بدن به انگلیسی**  
Body Parts in English  
مثال + ترجمه

zabanmaster.com

یادگیری اعضای بدن به انگلیسی یکی از موضوعات پایه و بسیار کاربردی است، چون در مکالمه‌های روزمره، توصیف درد، صحبت با پزشک یا حتی هنگام ورزش به این واژگان نیاز داریم. در این مقاله علاوه بر معرفی کامل واژگان، نمونه‌هایی از جمله سازی با اعضای بدن به انگلیسی ارائه می‌شود تا بتوانید آن‌ها را در گفتگوهای واقعی استفاده کنید. همچنین اگر به دنبال اعضای بدن به انگلیسی با تلفظ صوتی هستید، این مقاله برای شماست.

## موضوعات این مقاله

- ۱ اعضای اصلی و بیرونی بدن (Basic Body Parts)
- ۲ اعضای سر و صورت به انگلیسی (Head and Face Parts in English)
- ۳ اعضای بدن به انگلیسی – بالاتنه (Upper Body Parts in English)
- ۴ اعضای بدن به انگلیسی – دست و انگشت‌ها
- ۵ اعضای بدن به انگلیسی – پایین تنه (Lower Body Parts in English)
- ۶ اعضای داخلی بدن (Internal Organs)
- ۷ استخوان‌های بدن به انگلیسی ((Bones of the Body (Skeletal System))
- ۸ عضلات مهم بدن (Major Muscles of the Body)
- ۹ افعال مرتبط با اعضای بدن به انگلیسی (Verbs Related to Body Parts)
- ۱۰ جمع بندی
- ۱۱ سوالات متداول

## اعضای اصلی و بیرونی بدن (Basic Body Parts)

head

سر

I have a small headache in my **head**.

کمی سردرد در ناحیه سرم دارم.

face

صورت

Her **face** looks very happy today.

امروز چهره‌اش خیلی خوشحال به نظر می‌رسد.

hair

مو

She brushed her **hair** before leaving the house.

قبل از خروج از خانه موهایش را شانه کرد.

ear

گوش

I can't hear you clearly with my left **ear**.

با گوش چپم نمی‌توانم واضح بشنوم.

eye

چشم

My **eyes** get tired when I use the computer too long.

وقتی زیاد از کامپیوتر استفاده می‌کنم چشم‌هایم خسته می‌شوند.

nose

بینی

My **nose** is blocked because of the cold.

بینی‌ام به خاطر سرماخوردگی گرفته است.

mouth

دهان

Please open your **mouth** and say "ah."

لطفاً دهانت را باز کن و بگو «آه».

neck

گردن

My **neck** hurts when I sleep in a bad position.

وقتی در وضعیت بدی می خوابم گردنم درد می گیرد.

shoulder

شانه

He carried the bag on his right **shoulder**.

کیف را روی شانه ی راستش حمل کرد.

arm

بازو

She lifted her **arm** to wave at her friend.

بازویش را بلند کرد تا برای دوستش دست تکان دهد.

elbow

آرنج

Don't put your **elbows** on the table.

آرنج‌هایت را روی میز نگذار.

hand

دست

He washed his **hands** before eating.

قبل از غذا خوردن دست‌هایش را شست.

finger

انگشت

She cut her **finger** while cooking.

هنگام آشپزی انگشتش را برید.

chest

قفسه سینه

He felt pain in his **chest** while running.

هنگام دویدن در قفسه سینه اش احساس درد کرد.

back

پشت

My **back** hurts after sitting for many hours.

بعد از چند ساعت نشستن پشتم درد می گیرد.

waist

کمر / دور کمر

The belt is too tight around my **waist**.

کمر بند دور کمرم خیلی تنگ است.

leg

پا (از لگن تا پاشنه)

She hurt her **leg** while playing football.

هنگام فوتبال بازی کردن پایش آسیب دید.

knee

زانو

I can't bend my **knee** easily today.

امروز نمی‌توانم به راحتی زانویم را خم کنم.

foot

پا

feet

پاها

My **feet** get cold in winter.

پاهایم در زمستان سرد می شوند.

toe

انگشت پا

I hit my **toe** on the corner of the table.

انگشت پایم به گوشه میز خورد.

## اعضای سر و صورت به انگلیسی (Head and Face Parts in English)

forehead

پیشانی

She touched her **forehead** to check her temperature.

پیشانی‌اش را لمس کرد تا دمای بدنش را چک کند.

eyebrow

ابرو

He raised his **eyebrows** in surprise.

از تعجب ابروهایش را بالا برد.

eyelash

مژه

A small **eyelash** fell into my eye.

یک مژه کوچک داخل چشمم افتاد.

eyelid

پلک

Her **eyelids** feel heavy when she is tired.

وقتی خسته است پلک‌هایش سنگین می‌شوند.

temple

گیجگاه

He rubbed his **temples** because of the headache.

به خاطر سردرد گیجگاه‌هایش را می‌مالید (ماساژ می‌داد).

cheek

گونه

She kissed her child on the **cheek**.

گونه‌ی فرزندش را بوسید.

chin

چانه

He rested his **chin** on his hand.

چانه اش را روی دستش گذاشت.

jaw

فک

My **jaw** hurts when I chew too much.

وقتی زیاد می جویم فکم درد می گیرد.

lips

لبها

Her **lips** are dry in cold weather.

لبهایش در هوای سرد خشک می شوند.

teeth

دندانها

You should brush your **teeth** twice a day.

باید روزی دو بار دندان‌هایت را مسواک بزنی.

tongue

زبان

I bit my **tongue** while talking.

نگام صحبت کردن زبانم را گاز گرفتم.

nose bridge

پل بینی

His glasses sit on **the bridge of his nose**.

عینکش روی پل بینی‌اش قرار می‌گیرد.

nostril

سوراخ بینی

One of my **nostrils** is blocked.

یکی از سوراخ‌های بینی‌ام گرفته است.

beard

ریش

He trims his **beard** every week.

او هر هفته ریشش را مرتب می‌کند.

mustache

سبیل

His **mustache** makes him look older.

سبیلش باعث می‌شود مسن‌تر به نظر برسد.

skull

جمجمه

The **skull** protects the brain.

جمجمه از مغز محافظت می کند.

brain

مغز

The **brain** controls everything we do.

مغز تمام کارهایی که انجام می دهیم را کنترل می کند.

## اعضای بدن به انگلیسی – بالاتنه (Upper Body Parts in English)

neck

گردن

My **neck** feels stiff after sleeping wrong.

بعد از بد خوابیدن گردنم سفت شده است.

shoulder

شانه

She injured her **shoulder** while lifting a heavy box.

هنگام بلند کردن یک جعبه سنگین شانه‌اش آسیب دید.

collarbone

استخوان ترقوه

He broke his **collarbone** in a bike accident.

در یک تصادف دوچرخه‌سواری ترقوه‌اش شکست.

chest

قفسه سینه

He felt pressure in his **chest** after running.

بعد از دویدن در قفسه سینه‌اش احساس فشار کرد.

breast

سینه (بخش نرم) / پستان

The doctor checked her **breast** for any pain.

دکتر سینه اش را برای هرگونه درد بررسی کرد.

rib

دنده

She hurt one of her **ribs** during exercise.

هنگام ورزش یکی از دنده هایش آسیب دید.

back

پشت

My **back** gets sore when I sit too long.

وقتی زیاد می نشینم پشتم درد می گیرد.

spine

ستون فقرات

The **spine** helps us stand straight.

ستون فقرات به ما کمک می‌کند صاف بایستیم.

shoulder blade

کتف / استخوان کتف

You can feel your **shoulder blade** when you stretch your arm back.

وقتی بازویت را به عقب می‌بری می‌توانی استخوان کتف را حس کنی.

armpit

زیر بغل

He felt an itch in his **armpit**.

در زیر بغلش احساس خارش کرد.

waist

دور کمر / کمر

This dress is tight around the **waist**.

این لباس دور کمر تنگ است.

abdomen

شکم (علمی / پزشکی)

The doctor pressed on his **abdomen** to check for pain.

دکتر برای بررسی درد روی شکمش فشار داد.

stomach

شکم / معده (در گفتار روزمره بیشتر به معنی شکم)

My **stomach** hurts after eating too fast.

بعد از سریع خوردن دلم درد می‌گیرد.

navel – belly button

ناف

She has a small scar near her **belly button**.

نزدیک نافش یک جای زخم کوچک دارد.

## اعضای بدن به انگلیسی – دست و انگشتها

در اینجا می‌خواهیم اعضای دست و انگشتها در انگلیسی (Hand and Finger Parts) را یاد بگیریم:

hand

دست

He raised his **hand** to ask a question.

دستش را بلند کرد تا یک سوال بپرسد.

palm

کف دست

She wrote the phone number on her **palm**.

شماره تلفن را روی کف دستش نوشت.

back of the hand

پشت دست

He hurt **the back of his hand** while working.

هنگام کار پشت دستش آسیب دید.

wrist

مچ دست

My **wrist** hurts after typing all day.

بعد از تمام روز تایپ کردن مچ دستم درد می کند.

thumb

انگشت شست

She **gave a thumbs-up** to show approval.

برای نشان دادن تأیید، علامت انگشت شست بالا را نشان داد (لایک داد).

index finger

انگشت اشاره

He pointed with his **index finger** at the map.

با انگشت اشاره اش نقشه را نشان داد.

middle finger

انگشت وسط

I injured my **middle finger** while closing the door.

هنگام بستن در انگشت وسطی ام آسیب دید.

ring finger

انگشت حلقه

She wears a gold ring on her **ring finger**.

او یک حلقه ی طلا به انگشت حلقه اش می کند.

little finger – pinky

انگشت کوچک

The child held her mother's **little finger**.

کودک انگشت کوچک مادرش را گرفت.

fingernail

ناخن انگشت دست

He cut his **fingernails** yesterday.

دیروز ناخن‌های دستش را گرفت.

knuckle

بند انگشت / برآمدگی بالای انگشت

I scraped my **knuckle** on the wall.

بند انگشتم را به دیوار ساییدم.

cuticle

کوتیکول (پوست کنار ناخن)

She pushed back her **cuticles** during a manicure.

هنگام مانیکور کوتیکول هایش را عقب زد.

grip

مشت / قدرت گرفتن (قسمت کف و انگشت ها هنگام گرفتن چیزی)

His **grip** on the bottle was very strong.

جوری که بطری را نگه داشته بود خیلی سفت / قوی بود.

forearm

ساعد

He has a tattoo on his **forearm**.

روی ساعدش یک تتو دارد.

elbow crease

گودی آرنج / چین آرنج

The nurse checked the **elbow crease** for a vein.

پرستار برای پیدا کردن رگ، گودی آرنج را بررسی کرد.

## اعضای بدن به انگلیسی – پایین تنه (Lower Body Parts in English)

hip

لگن / باسن جانبی

She felt pain in her right **hip** after exercising.

بعد از ورزش در لگن راستش احساس درد کرد.

thigh

ران

His **thigh** muscles got sore after running.

عضلات رانش بعد از دویدن درد گرفتند.

hamstring

پشت ران

He stretched his **hamstrings** before the game.

قبل از بازی پشت ران‌هایش را کشش داد.

knee

زانو

My **knee** hurts when I climb stairs.

وقتی از پله‌ها بالا می‌روم زانویم درد می‌گیرد.

kneecap

استخوان کاسه زانو / کشکک زانو

She injured her **kneecap** in a fall.

موقع افتادن کشکک زانویش آسیب دید.

calf

پشت ساق پا / نرمه پا

My **calves** get tight after long walks.

پشت ساق‌هایم بعد از پیاده‌روی‌های طولانی سفت می‌شود.

shin

ساق پا (از جلو)

He hit his **shin** on the coffee table.

ساق پایش به میز عسلی خورد.

ankle

مچ پا

She twisted her **ankle** while running.

موقع دویدن مچ پایش پیچ خورد.

heel

پاشنه پا

My **heel** hurts when I walk a lot.

وقتی زیاد راه می‌روم پاشنه پایم درد می‌گیرد.

sole

کف پا

The **soles** of my feet are very sensitive.

کف پاهایم خیلی حساس هستند.

arch

قوس پا

He has pain in the **arch** of his foot.

در قوس پایش احساس درد دارد.

ball of the foot

سینه‌ی پا

Dancers put pressure on the **balls of their feet**.

رقصنده‌ها روی سینه‌ی پاهایشان فشار می‌آورند.

toe

انگشت پا

I hit my **toe** on the door last night.

دیشب انگشت پایم به در خورد.

toenail

ناخن انگشت پا

He cut his **toenails** too short.

ناخن‌های پایش را خیلی کوتاه کرده بود.

groin

کشاله ران

He felt a sharp pain in his **groin** while lifting weights.

هنگام وزنه زدن در کشاله رانش درد تیزی احساس کرد.

toe joint

مفصل انگشت پا

The **toe joint** becomes stiff in cold weather.

مفصل انگشت پا در هوای سرد خشک می شود.

Achilles tendon

تاندون آشیل

The **Achilles tendon** helps you walk and run.

تاندون آشیل به راه رفتن و دویدن کمک می کند.

## اعضای داخلی بدن (Internal Organs)

heart

قلب

The doctor said my **heart** is perfectly healthy.

دکتر گفت قلبم کاملاً سالم است.

lungs

ریه‌ها

Smoking can damage your **lungs** over time.

سیگار کشیدن می‌تواند به مرور زمان ریه‌ها را آسیب بزند.

stomach

معدّه

My **stomach** hurts after eating spicy food.

معدّه‌ام بعد از خوردن غذای تند درد می‌کند.

liver

کبد

The **liver** helps the body remove toxins.

کبد به بدن کمک می‌کند سموم را دفع کند.

kidneys

کلیه‌ها

Drinking enough water keeps your **kidneys** healthy.

نوشیدن آب کافی کلیه‌ها را سالم نگه می‌دارد.

intestines

روده‌ها

The **intestines** digest food and absorb nutrients.

روده‌ها غذا را هضم کرده و مواد مغذی را جذب می‌کنند.

small intestine

روده کوچک

Most nutrient absorption happens in the **small intestine**.

بیشتر جذب مواد مغذی در روده کوچک انجام می شود.



large intestine

روده بزرگ

The **large intestine** absorbs water from food waste.

روده بزرگ آب باقیمانده ی مواد غذایی را جذب می کند.



pancreas

لوزالمعده

The **pancreas** produces insulin.

لوزالمعده انسولین تولید می کند.



spleen

طحال

The **spleen** helps the body fight infections.

طحال به بدن کمک می‌کند با عفونت‌ها مبارزه کند.

gallbladder

کیسه صفرا

The **gallbladder** stores bile for digestion.

کیسه صفرا صفرا را برای هضم غذا ذخیره می‌کند.

bladder

مثانه

The **bladder** holds urine until you are ready to go.

مثانه ادرار را تا زمانی که آماده رفتن باشید نگه می‌دارد.

esophagus

مری

The **esophagus** carries food from the mouth to the stomach.

مری غذا را از دهان به معده می‌برد.

trachea

نای / نایژه اصلی

Air passes through the **trachea** into the lungs.

هوا از طریق نای وارد ریه‌ها می‌شود.

bronchi

نایژه‌ها

The **bronchi** branch into smaller airways inside the lungs.

نایژه‌ها داخل ریه‌ها به راه‌های هوایی کوچک‌تر منشعب می‌شوند.

diaphragm

دیافراگم

The **diaphragm** helps you breathe in and out.

دیافراگم به دم و بازدم کمک می‌کند.

appendix

آپاندیس

His **appendix** was removed during surgery.

آپاندیسش در طول عمل جراحی برداشته شد.

bowels

احشاء / روده‌ها (غیررسمی)

He had a problem with his **bowels** last night.

دیشب مشکلی در احشاء / روده‌هایش داشت.

veins

رگ‌های خونی (سیاهرگ‌ها)

**Veins** carry blood back to the heart.

سیاهرگ‌ها خون را به قلب بازمی‌گردانند.

arteries

سرخرگ‌ها

**Arteries** carry oxygen-rich blood through the body.

سرخرگ‌ها خون سرشار از اکسیژن را در بدن منتقل می‌کنند.

brain

مغز

The **brain** controls movement, thoughts, and emotions.

مغز حرکت‌ها، افکار و احساسات را کنترل می‌کند.

spinal cord

نخاع

The **spinal cord** sends messages between the brain and body.

نخاع پیام‌ها را بین مغز و بدن منتقل می‌کند.

reproductive organs

اندام‌های تناسلی

**Reproductive organs** differ between men and women.

اندام‌های تناسلی بین مردان و زنان متفاوت است.

## استخوان‌های بدن به انگلیسی ((Bones of the Body (Skeletal System))

skull

جمجمه

The **skull** protects the brain from injury.

جمجمه از مغز در برابر آسیب محافظت می‌کند.

spine – backbone

ستون فقرات

The **spine** helps us stand upright.

ستون فقرات کمک می‌کند صاف بایستیم.

vertebra

مهره ستون فقرات

Each **vertebra** can move slightly to allow flexibility.

هر مهره می‌تواند کمی حرکت کند تا انعطاف ایجاد شود.

collarbone – clavicle

استخوان ترقوه

He felt pain in his **collarbone** after the fall.

بعد از زمین خوردن در استخوان ترقوه‌اش احساس درد کرد.

shoulder blade – scapula

استخوان کتف

The **shoulder blade** connects the arm to the body.

استخوان کتف بازو را به بدن متصل می‌کند.

sternum

استخوان جناغ سینه

The **sternum** is located in the center of the chest.

جناغ سینه در وسط قفسه سینه قرار دارد.

pelvis

لگن

The **pelvis** supports the spine and upper body.

لگن از ستون فقرات و نیم‌تنه بالایی حمایت می‌کند.

femur

استخوان ران

The **femur** is the longest bone in the body.

استخوان ران بلندترین استخوان بدن است.

tibia

درشت‌نی (استخوان جلوی ساق)

He injured his **tibia** during the match.

در مسابقه درشت‌نی اش آسیب دید.

fibula

نازک‌نی (استخوان کناری ساق)

The **fibula** helps stabilize the lower leg.

نازک‌نی به تثبیت قسمت پایین پا کمک می‌کند.

patella

کشکک زانو

The **patella** protects the knee joint.

کشکک زانو از مفصل زانو محافظت می‌کند.

humerus

استخوان بازو

The **humerus** connects the shoulder to the elbow.

استخوان بازو شانه را به آرنج متصل می‌کند.

radius

استخوان زند زبرین (سمت شست)

The **radius** rotates when you turn your wrist.

هنگام چرخاندن مچ، استخوان رادیوس می‌چرخد.

ulna

استخوان زند زیرین (سمت انگشت کوچک)

The **ulna** forms the elbow joint with the humerus.

اولنا همراه با استخوان بازو مفصل آرنج را تشکیل می‌دهد.

carpals

استخوان‌های مچ دست

The **carpals** allow the wrist to bend and rotate.

استخوان‌های مچ دست امکان خم شدن و چرخیدن مچ را فراهم می‌کنند.

metacarpals

استخوان‌های کف دست

She fractured one of her **metacarpals**.

یکی از استخوان‌های کف دستش شکست.

phalanges

استخوان‌های انگشتان

The **phalanges** help you move your fingers and toes.

استخوان‌های انگشتان به حرکت انگشتان دست و پا کمک می‌کنند.

tarsals

استخوان‌های مچ پا

The **tarsals** support the back of the foot.

استخوان‌های مچ پا از پشت پا حمایت می‌کنند.

metatarsals

استخوان‌های کف پا

He broke a **metatarsal** during training.

هنگام تمرین یکی از استخوان‌های کف پایش شکست.

## عضلات مهم بدن (Major Muscles of the Body)

biceps

عضله جلو بازو

He trains his **biceps** at the gym twice a week.

او دوبار در هفته در باشگاه عضله جلو بازویش را تمرین می دهد.

triceps

عضله پشت بازو

Push-up exercises strengthen the **triceps**.

تمرین شنا عضلات پشت بازو را تقویت می کند.

deltoids

عضلات شانه

Lifting weights helps build strong **deltoids**.

وزنه زدن به تقویت عضلات شانه کمک می کند.

## Pectorals (Pecs)

عضلات سینه

Bench press mainly works the **pectoral muscles**.

پرس سینه عمدتاً عضلات سینه را درگیر می‌کند.

## abdominal muscles (abs)

عضلات شکم

Sit-ups help strengthen your **abs**.

درازنشست به تقویت عضلات شکم کمک می‌کند.

## obliques

عضلات مایل شکم

Side planks are great for training the **obliques**.

پلانک بغل برای تمرین عضلات مایل شکم عالی است.

latissimus dorsi (lats)

عضلات پهن پشتی / لت

Pull-ups work the **lats** effectively.

بارفیکس به طور مؤثر عضلات پهن پشتی را درگیر می‌کند.

trapezius (traps)

عضله ذوزنقه‌ای پشت و گردن

Heavy lifting can strain the **trapezius** muscle.

بلند کردن اجسام سنگین ممکن است عضله ذوزنقه‌ای را تحت فشار قرار دهد.

glutes (gluteal muscles)

عضلات باسن

Squats are perfect for strengthening the **glutes**.

اسکوات برای تقویت عضلات باسن عالی است.

quadriceps (quads)

عضلات جلو ران

Running uphill works the **quadriceps** hard.

دویدن در سربالایی عضلات جلو ران را به شدت درگیر می‌کند.

hamstrings

عضلات پشت ران

Stretching the **hamstrings** helps prevent injury.

شش عضلات پشت ران به جلوگیری از آسیب کمک می‌کند.

calf muscles

عضلات ساق پا / عضلات نرمه پا

Jumping exercises strengthen the **calf muscles**.

تمرینات پرشی عضلات ساق پا را تقویت می‌کنند.

hip flexors

عضلات خم‌کننده لگن

Sitting too long can tighten the **hip flexors**.

زیاد نشستن می‌تواند عضلات خم‌کننده لگن را سفت کند.

lower back muscles

عضلات کمر

Strengthening **lower back muscles** helps reduce pain.

تقویت عضلات کمر به کاهش درد کمک می‌کند.

forearm muscles

عضلات ساعد

Rock climbing builds strong **forearm muscles**.

سنگ‌نوردی عضلات ساعد را قوی می‌کند.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات انگلیسی با اعضای بدن

## افعال مرتبط با اعضای بدن به انگلیسی (Verbs Related to Body Parts)

blink

پلک زدن

She **blinked** quickly because something was in her eye.

سریع پلک زد چون چیزی داخل چشمش رفته بود.

breathe

نفس کشیدن

He tried to **breathe** slowly to calm down.

تلاش کرد آرام نفس بکشد تا آرام شود.

swallow

قورت دادن

It hurts when I **swallow**.

هنگام قورت دادن گلویم درد می گیرد.

chew

جویدن

**Chew** your food well before swallowing.

قبل از قورت دادن، غذایت را خوب بجو.

smell

بو کردن / حس بویایی داشتن

She can't **smell** anything because of the flu.

به خاطر آنفلوآنزا نمی‌تواند چیزی را بو کند.

taste

مزه کردن / چشیدن

I can't **taste** the soup; it needs more salt.

مزه سوپ را حس نمی‌کنم؛ نمک بیشتری لازم دارد.

touch

لمس کردن

Don't **touch** your eyes with dirty hands.

با دست‌های کثیف چشمت را لمس نکن.

grab

گرفتن

He **grabbed** my arm suddenly.

ناگهان بازوی مرا گرفت.

hold

نگه داشتن

Can you **hold** my hand while we cross the street?

می‌توانی هنگام عبور از خیابان دستم را بگیری؟

bend

خم کردن

It's hard for me to **bend** my knee today.

امروز خم کردن زانو برایم سخت است.

stretch

کشش دادن / کش آمدن

**Stretch** your legs before running.

قبل از دویدن پاهایت را کشش بده.

kick

لگد زدن

He **kicked** the ball with his right foot.

توپ را با پای راستش شوت کرد (به آن لگد زد).

nod

سر تکان دادن (به نشانه تأیید)

She **nodded** her head to say yes.

برای گفتن «بله» سرش را تکان داد.

shake

تکان دادن (مثلاً سر یا دست)

He **shook** his head to say no.

برای گفتن «نه» سرش را تکان داد.

whisper

پچ پچ کردن / زمزمه کردن

She **whispered** into his ear.

در گوشش پچ پچ کرد.

frown

اخم کردن

He **frowned** when he heard the bad news.

وقتی خبر بد را شنید اخم کرد.

sweat

عرق کردن

He started to **sweat** after running for ten minutes.

بعد از ده دقیقه دویدن شروع به عرق کردن کرد.

yawn

خمیازه کشیدن

She **yawned** because she was very tired.

چون خیلی خسته بود خمیازه کشید.

cough

سرفه کردن

He **coughed** all night because of the cold.

به خاطر سرماخوردگی تمام شب سرفه کرد.

sneeze

عطسه کردن

She **sneezed** loudly in the classroom.

در کلاس با صدای بلند عطسه کرد.

بیشتر بخوانید: [۳۳۳ فعل پرکاربرد زبان انگلیسی](#)

## جمع بندی

آشنایی با اعضای بدن به انگلیسی برای مکالمه‌های روزمره، مراجعه به پزشک، ورزش و حتی توصیف احساسات ضروری است. در این مقاله تمام بخش‌های بدن به همراه جمله‌های کاربردی و ترجمه فارسی آورده شد تا بتوانید آن‌ها را در گفتگوهای واقعی به کار ببرید. با تمرین این واژگان و ساخت جمله‌های ساده، تسلط شما در زبان انگلیسی به طور قابل توجهی بیشتر می‌شود.

### برای یادگیری اعضای بدن، جمله سازی مهم تر است یا حفظ لغت؟

هر دو لازم است؛ اما جمله سازی باعث می شود واژه ها سریع تر در ذهن بمانند.

### آیا اعضای بدن در مکالمات روزمره زیاد استفاده می شوند؟

بله، مخصوصاً هنگام توضیح درد، ورزش، دکتر رفتن یا توصیف ظاهر افراد.

### فرق stomach و belly چیست؟

Stomach بیشتر معنی «معدة» دارد؛ belly بیشتر معنی «شکم» در گفتار روزمره.

### چطور می توانم تلفظ صحیح اعضای بدن را یاد بگیرم؟

در این مقاله تلفظ صوتی تمام کلمات و جملات آمده و می توانید از آن استفاده کنید.